

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadra Kumar».

منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیلا «2026-04-22».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ترامپ به یک جهش اعتماد در قبال ایران نیاز دار

Trump needs a leap of faith towards Iran



به گفته پنتاگون، ۲۱ آوریل ۲۰۲۶، نیروهای آمریکایی کشتی تیفانی که قبلاً تحریم شده بود را در اقیانوس هند و آرام به اتهام قاچاق نفت خام ایران در سراسر آسیا توقیف کردند.

چه چیزی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، را به صدور دستور محاصره دریایی ایران ترغیب کرد؟ سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، اخیراً در مصاحبه‌ای با تلویزیون دولتی فرانسه گفت: که دولت ترامپ در مسیر تصاحب ذخایر نفت و گاز ایران حرکت می‌کند.

لاوروف گفت: «ونزوئلا نمونه بارزی است. ادعا این بود که رژیم قاچاقچیان مواد مخدر باید سرنگون شود. نکته اصلی این است که ایالات متحده در حال کنترل صنعت نفت ونزوئلا است. همین اتفاق اکنون در مورد ایران نیز در حال رخ دادن است.»

با توجه به علاقه عمیق روسیه به همکاری با بخش نفت و گاز ایران به جای رقابت، این یک اظهار نظر هوشمندانه بود. افزایش شدید قیمت نفت از یک سو سود بادآوردهای را برای روسیه به میزان ده‌ها میلیارد دلار به ارمغان آورد و از سوی دیگر واشنگتن را مجبور کرد تا تحریم‌ها را کاهش دهد تا جریان اضافی نفت روسیه را که برای بازار خوب بود، تسهیل کند.

تهران به قیاس و نزوئلا توجه کرده است. محمد باقر قالیباف، رئیس قدرتمند مجلس ایران و از چهره‌های محوری رهبری کشور، دیروز در یک مصاحبه تلویزیونی مفصل اشاره کرد: «دشمن معتقد بود که ایران مانند ونزوئلا است و فرض می‌کرد که پس از چند روز می‌تواند نفت ما را تصرف کند و به هر کسی که بخواهد از خلیج فارس نفت حمل کند، اجازه دهد این کار را انجام دهد.»

چه دور از واقعیت هستند تحلیلگران هندی که با فصاحت می‌گویند مسئله هرگز تماماً مربوط به صلح آمریکایی است - نظم مبتنی بر قانون، آزادی ناوبری و تجارت آزاد، خطوط دریایی باز، مسیرهای تجاری پایدار. ساده‌لوحی محض!

ژئوپلیتیک تنگه هرمز به وضوح قابل مشاهده است. اول، در مورد قانون دریاها که آزادی ناوبری از طریق آب‌های سرزمینی را فراهم می‌کند، به کمی شفافیت نیاز است. اما عمداً نادیده نگیرید که چنین آزادی نیز باید مطابق با مقررات طرف‌های ساحلی، کشورهای ساحلی که با این آبراه هم‌مرز هستند، اعمال شود.

ایران مدعی است که مقررات خود را اجرا می‌کند. هیچ آب بین‌المللی در مسیر عبور خطوط دریایی وجود ندارد و آب‌های سرزمینی ایران تا نقطه میانی آبراه - و حتی فراتر از جایی که با آب‌های سرزمینی عمان همپوشانی دارد - امتداد دارد. (از این رو منافع مشترک ایران و عمان در تنگه هرمز وجود دارد.)

مقررات ایران به تعداد کشتی‌هایی که از این آبراه عبور می‌کنند، پرداخت هزینه‌ای که این کشتی‌ها باید بپردازند (که یک رویه بین‌المللی رایج است)، ارزی که این پرداخت‌ها باید با آن انجام شود، نوع محموله کشتی‌ها و غیره بستگی دارد. هیچ یک از این موارد مانع «آزادی ناوبری» به این شکل نمی‌شود.

واضح است که محاصره‌ای که ایالات متحده اعمال کرده است، طبق قوانین بین‌المللی هیچ اعتباری ندارد. این راهزنی، دیپلماسی قایق‌های توپدار، «قدرت‌نمایی» یا هر نام دیگری است که می‌توان آن را نامید. در واقع، این بخشی از به اصطلاح «جنگ نفتکش‌ها» است که غرب در پایین دست تحریم‌های روسیه که به دلیل درگیری اوکراین آغاز شده است، به راه انداخته است.

در مورد ایران، برخی از تحلیلگران می‌گویند که توطئه واقعی در مورد محدود کردن جریان نفت به چین است. در واقع، طبق آخرین گزارش کمیسیون اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و چین در ماه مارس به کنگره ایالات متحده، «چین بزرگترین شریک تجاری ایران و خریدار اصلی نفت ایران است. خریدهای چین تقریباً ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران را تشکیل می‌دهد.»

پیامدهای استراتژیک «جنگ نفتکش‌ها» بدیهی است. اما گزارش ایالات متحده همچنین تخمین می‌زند که «پکن رویکردی محتاطانه برای جلوگیری از به خطر انداختن روابط با سایر شرکای خاورمیانه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی دارد» و حتی «حمایت رسمی خود از ایران را پس از حملات ایالات متحده و اسرائیل به بیانیه‌های دیپلماتیک محدود کرده است.»

چین کاملاً درست می‌گوید که طبق توافق‌نامه‌های دوجانبه، روابط تجاری و انرژی با ایران دارد و دخالت ایالات متحده غیرقابل قبول است. همچنین، اختلال در جریان نفت ایران، زنجیره تأمین چین را مختل می‌کند.

با این اوصاف، واردات نفت چین نیز از طیف وسیعی از مناطق به عنوان یک سیاست دقیق تنظیم شده تأمین می‌شود. منبع اصلی چین، «سایر کشورهای خاورمیانه» (ایران، عمان، قطر و بحرین) با «۲/۴» میلیون بشکه در روز است و پس از آن روسیه با «۲/۲» میلیون بشکه، عربستان سعودی با «۱/۶» میلیون بشکه و عراق با «۱/۳» میلیون بشکه در روز قرار دارند.

ممکن است به نظر برسد که هیچ راه فراری برای ترامپ در معمای هرمز وجود ندارد. اما در واقعیت، این طور نیست - البته به شرطی که ایالات متحده مفهوم «ایران انقلابی» سال (۱۹۷۹) خود را که امروزه در واقع یک مفهوم کهنه است، کنار بگذارد. افراد تأثیرگذار در تهران از طیف‌های مختلفی هستند، اما یک اجماع کلی وجود دارد که بهبود روابط با ایالات متحده به بهبود شرایط اقتصادی کمک خواهد کرد. به طور قابل‌تصور، قالیباف، سیاستمدار میلیاردی، خود نمونه‌ای درخشان است.

اگر ایالات متحده از کلیشه‌های قدیمی در مورد ایران دست بردارد، نمی‌تواند به راحتی با واقعیت جدیدی که به ایران اجازه می‌دهد از هرمز درآمدی فوق‌العاده معادل صدها میلیارد دلار سالانه ایجاد کند، کنار بیاید؛ درآمدی که پتانسیل‌های اقتصادی این کشور از جنگال تحریم‌های غرب و تثبیت اقتصاد سیاسی آن را دارد.

ترامپ، به عنوان تنها مسئول نابودی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام)، تنها امروز می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند، با یک دستور کار آینده‌نگر برای ادغام سریع ایران در اقتصاد جهانی. اینکه آیا چنین رویکردی خیلی دیر شده است یا نه، تنها در صورتی مشخص می‌شود که واقعاً مورد استفاده قرار گیرد. لطفاً فریبکاری نکنید. یک دور دیگر

از جنگ، نقطه عطفی خواهد بود که ایران را رادیکالیزه می‌کند. استراتژی سر بریدن بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، یک فاجعه بود.

تغییر رژیم در ایران برای ایجاد یک رژیم طرفدار آمریکا، یک بازی احمقانه است. در واقع، حوزه انتخابیه در ایران که به دنبال روابط خوب با ایالات متحده بود، به طرز چشمگیری در حال کاهش است. هر کسی که شاهد دوره انقلاب اسلامی بوده باشد، معنای عمیق ویدیوهایی را که در حال حاضر در حال پخش شدن هستند و نشان می‌دهند که ایرانیان هر شب به خیابان‌های تهران می‌ریزند، درک خواهد کرد.

اقدام ترامپ برای تمدید آتش‌بس گامی در مسیر درست است. آنچه مورد نیاز است، یک جهش ایمانی است. ترامپ باید توصیه فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده کل ارتش پاکستان، را برای لغو محاصره دریایی بپذیرد. این تصور اشتباه است که می‌توان ایران را با زور اسلحه به مذاکره واداشت. غرور ملی ایران یک ویژگی تمدنی است و بی‌اعتمادی عمیق آن به ایالات متحده، سابقه‌ای تاریخی دارد. اشتباه نکنید، اوضاع به طور اجتناب ناپذیری به نقطه عطف رسیده است. با این حال، افراد کافی در سطح تصمیم‌گیری‌های عالی در تهران وجود دارند که هنوز مایل به مذاکره هستند، البته به شرطی که ترامپ بتواند شرایط مناسبی را برای مذاکره ایجاد کند تا پویایی خاص خود را پیدا کند.

..... **با تقدیم احترام «2026-04-25»**

.....